

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»

۱۵ مارچ ۲۰۱۷

تفسیر احمد- ۳۴

ترجمه و تفسیر سوره «الفلق»- ۱

این سوره در «مکه مکرمه» نازل شده، و مکی می باشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳) وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴) وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

معلومات موجز:

سوره فلق دارای (۱) رکوع، و (۵) پنج آیت و (۲۳) بیست و سه کلمه و (۷۳) هفتاد سه حرف و (۴۵) و چهل و پنج نقطه است.

نام این سوره «الفلق» است که از آیت اول این سوره گرفته شده است، ولی در مورد مکی بودن و یا مدنی بودن آن بین مفسرین اختلاف است.

مفسرین می گویند که نه تنها متن سوره «مدنی»، بلکه نشان دهنده این امر هم است که این سوره در آخرین مراحل مدینه نازل شده است.

دلایلی که مفسرین برمدنی بودن این سوره بدان استدلال می آورند اینست که در این سوره به موضوع «حسد» اشاره به عمل آمده است.

و این پدیده شوم از آفت های مرحله قوت و نیل به امتیازات است، نه مرحله ضعف و ناتوانی و محروم شدن از امتیازات. در دوران مکه پیامبر صلی الله علیه وسلم در شرایطی قرار نداشتند که حسادات کسی را تحریک کند. در مکه مسلمانان در شرایط و روز های سختی قرار داشتند که این روز ها محروم شدن از آسایش و آرامش توأم بود. ولی زمانی که مسلمانان در مدینه بودند وضع شان تغییر و قسماً بهبود یافت.

ولی به قول حسن، عطاء، عکرمه و جابر سوره « فلق » و سوره « ناس » را مکی می دانند و رأی اکثر علماء نیز همین است. اما در روایتی از ابن عباس (رض) ، قتاده و جمعی دیگر نقل شده است که: این سوره مدنی است. ابن کثیر نیز بر همین نظر است و برخی از علمای دیگر نیز گفته اند: صحیح نیز همین است.

وجه تسمیه :

طوری که در فوق یاد آور شدیم که: سوره «الفلق» به علتی به این نام مسمی شده است که آغاز آن با این فرموده حق تعالی: « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » می باشد.

محور و محتوای کلی سوره فلق :

در مورد محور و محتوای کلی سوره « الفلق » به صورت کل گفته می توانیم که این سوره دارای یک محتوای تعلیمی و تربیتی می باشد. این بدین معنی است که در سوره «الفلق» پروردگار ما در قدم اول به پیامبر صلی الله علیه وسلم و در قدم بعدی به سایر مسلمانان، می آموزاند که یگانه راه نجات از شر همه اشرار پناه بردن به ذات پروردگار است، در این سوره پروردگار با عظمت ما برای ما می آموزاند که خود را به حمایت پروردگار شان پناه دهند، و از شر مخلوقاتش به جلالت و عظمت و سلطه وی پناه جویند، از شر شب آن هنگام که تاریک می شود و وحشت و ترس فرا گیر نفسها می شود، و فجار و اشرار انتشار می یابند و از شر هر حاسدی یا ساحری، و این سوره یکی از معوذتینی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم خود را بدان دم می کرد و در حمایت الله قرار می داد.

محور کلی این سوره به ما انسانها می آموزاند که فقط پروردگار با عظمت را ملجاء و پناهگاه تان قرار دهید زیرا الله پناه گاه مطمئن از شر هر مخلوقی شریر می باشد و یقین داشته باشید که در پناه آن انسان احساس امنیت و آرامش کامل می کند .

همچنان در این سوره تعلیم واضح برای ما انسانها است تا در زندگی خویش (اعم از زندگی اجتماعی و سیاسی و زندگی اقتصادی) خود، اولاد ، زن و فرزند مال و دارائی خویش را به پناه پروردگار با عظمت خویش بسپاریم، و اطمینان باید داشته باشیم که انسان در پناه حق تعالی است که از شر هر موجود صاحب شر در امان خواهد ماند. طوری که در فوق یاد آور شدیم محور اصلی و مرکزی این سوره پناه خواستن و تمسک جستن به پروردگار با عظمت ، از شر هر چیزی، حال چه ظاهر باشد، و چه پنهان، و چه ناشناخته باشد و چه شناخته، و چه کم باشد و چه زیاد، و چه جزئی باشد و چه کلی.

و این درسی سازنده و آموزنده ای است، درس و تعلیم نافع برای حمایت مردم، بعضی شان از بعضی دیگر، به سبب امراض نفسانی است، همچنین برای حمایت آنها از شر چیزهای سمی و کشنده، و از شر شب وقتی تاریک می شود، و در آن خوف و ترس به وجود می آید، به خصوص در بیابانها و غارها، که اسم سوره نیز بر این امر (پناه گرفتن به پروردگار با عظمت) دلالت می دهد.

در حدیث شماره (۴۹۷۶) امام بخاری آمده است :

« عن أبي بن كعب قال: سألت رسول الله عن المعوذتين فقال قيل لي فقلت. فنحن نقول كما قال رسول الله « (از آبی بن کعب رضی الله عنه روایت است که گفت : از پیامبر صلی الله علیه وسلم از (معوذتین) (یعنی : از سوره ناس و فلق) سؤال نمودم : (این سخن را آبی بن کعب زمانی پرسید که : خیر برایش رسید که این مسعود این دوسوره را در مصحف خویش نمی نویسد و طوری فکر می کند که این دو سوره از قرآن کریم نیست.) .

فرمودند: « برایم چیزی گفته شد و من گفتم » یعنی : این دوسوره برایم وحی شد ، ومن گفتم که از وحی است) ، وما هم همان چیزی را می گوئیم که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم گفتند).

هكذا از شخصی عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که وی این دوسوره را در قرآنی که نزد خود داشت ثبت نکرده بود ، وطوری فکر می کرد که این دو سوره دعا هائی است که جهت دفع شر و شرارت خوانده می شود و از قرآن نیست ، پس نباید در قرآن ثبت گردد، ولی سپس صحابه رضی الله عنهم در قرآن بودن آنها اجماع نمودند ، و ابن مسعود رضی الله عنه نیز از آن نظر خود برگشت و آن را در مصحف خویش نوشت . (فیض الباری شرح مختصر صحیح البخاری تألیف دکتر عبدالرحیم فیروز هروی در تفسیر حدیث شماره ۹۷۶).

ترجمه موجز :

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

« قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » (۱) بگو: پناه می‌برم به پروردگاری که دانه و هسته و سپیده‌دم را می‌شکافد.

«مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» (۲) «از شر هر آنچه آفریده است». این شامل همه انسان‌ها و جن‌ها و حیواناتی می‌گردد که خداوند خلق نموده است. پس باید به آفریننده این‌ها از شری که در این‌هاست پناه برد. سپس به صورت ویژه خاص بیان کرد و فرمود:

«وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ» (۳) و پناه می‌برم به خدا از شری که در شب است. وقتی که خواب مردم را فرو می‌پوشاند و بسیاری از ارواح شرور و حیوانات موذی پخش و پراکنده می‌گردند.

«وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ» (۴) و از شر زنان جادوگری که برای جادوی خود از دمیدن در گره‌ها کمک می‌گیرند و بر آن جادو می‌کنند.

«وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (۵) «و از شر حسود بدان‌گاه که حسد می‌ورزد». حسود کسی است که زوال نعمت دیگران را می‌خواهد و حسود برای از بین بردن نعمت از دست دیگران می‌کوشد. پس برای باطل کردن نیرنگ حسود و مصون ماندن از مکر و کیدش باید به خدا پناه برد. چشم بد نیز نوعی از حسادت است چون فقط کسی چشم می‌زند که حسود و بدجنس و خبیث النفس باشد. پس به طور خاص و عام به خدا پناه برد. و بر این دلالت می‌نماید که جادو حقیقت دارد و زیان آور است زیرا از آن باید بترسید و از جادو و جادوگران باید به خدا پناه برد.

تفسیر اجمالی سوره فلق :

صاحب تفسیر فی ظلال در تفسیر اجمالی این سوره می فرماید: این سوره و سوره ای که بعد از آن قرار دارد، رهنمود و رهنمونی از سوی یزدان سبحان نخست برای پیغمبرش صلی الله علیه وسلم و بعد از او برای همگی مؤمنان است.

رهنمود و رهنمون به این که به کنف حمایت او، و به پناهگاه او ، پناه ببرند از هر چیز خوفناکی ، چه پنهان باشد و چه آشکار و چه ناشناخته باشد و چه شناخته و چه کم باشد و چه زیاد و چه جزئی باشد و چه کلی... انگار یزدان سبحان محلّ حفاظت و حمایت خود را برایشان باز می گرداند، و پناه پناهگاه خود را برای ایشان فراخ می نماید و بدیشان با مودّت و محبت و عطوفت و مهربانی می فرماید : بیایید اینجا . بیایید به محلّ حفاظت و حمایت . بیایید به محلّ امن و امان خودتان ، محلی که در آن ایمن می گردید و آرامش می یابید . بیایید چه من بهتر می دانم که شما ضعیف هستید و

شما دشمنانی دارید ، و پیرامون شما ترسها و هراسها است. در حالی که اینجا ، بلی اینجا امن و امان و آرامش و اطمینان و سلامت است... بدین خاطر، هر دو سوره با این رهنمود و رهنمون می‌آغازد.

فضیلت سوره فلق :

قبل از همه باید گفت که تمام سوره های قرآن عظیم الشان دارای فضایل خاص خود می باشد که قرائت و تلاوت و تدبر در معنی و مفاهیم این سوره ها، تطبیق و عملی نمودن رهنمود های مندرج در آن موجب سعادت دنیا و آخرت انسان می گردد.

هکذا نباید فراموش کرد که قرآن عظیم الشان برنامه زندگی و کتاب عمل است برای ما انسانها که تلاوت آن سرآغازی است برای تفکر و ایمان و وسیله ایست برای عمل کردن به محتوای قرآن و همه پادشاهای عظیم نیکو کاران نیز از همین جا و با همین شرایط تحقق می یابد.

نباید فراموش کرد که، تلاوت سوره های قرآن عظیم الشان، ایمان و اعتقاد ایمانی انسان را قوت بخشیده ، صفای دل را تزیید بخشیده در گناهان تخفیف به عمل آورده ، عبادت انسان برتر، بهتر و آسانتر ساخته ، مسلمان را به درجه اعلی کامل و ترقی می رساند.

هکذا نباید فراموش کرد که تلاوت سوره های قرآن و به خصوص که این تلاوت با ترتیل و تعمق در معانی و مفاهیم آیات متبرکه صورت پذیرد، بسیاری از امراض روحی و روانی را مداوا می نماید، غم و انده انسان را تقلیل بخشیده، روشنایی دیدگان را بیشتر می سازد.

نباید فراموش کرد که قرآن عظیم الشان مونس تنهایی انسان بوده، عمر انسان را با برکت ساخته، استجاب دعا اطمینان می بخشد. در نهایت تلاوت سوره های قرآن ، صفای خانه، رفع عذاب و سایر خیرات و برکات برای انسان می گردد . شایان توجه است که پیمودن مراتب کمال قرائت، همچون رسیدن به مرحله تدبیر و عمل، مستوجب کمال ثواب و رضای الهی و دریافت خیرات بیشتر و بهتر می شود.

نقطه دیگری که می خواهم خدمت خوانندگان خویش تقدیم بدارم اینست که ما نباید به خواندن قرآن به عنوان یک کار تجاری نگاه کنیم و دنبال این باشیم که کدام سوره از همه ثواب بیشتری دارد و تنها با خواندن همیشگی آن سوره از برکت سوره های دیگر محروم بمانیم.

قرآن عظیم الشان مجموعه ایست که باید همه آن در کنار هم باشد و انسان با بهره گیری از همه آن است که می تواند به خودسازی بپردازد.

سوره «فلق» مثل سایر سوره های قرآن دارای فضایی است از جمله در حدیثی از حضرت بی بی عایشه (رض) در مورد فضیلت سوره فلق و همچنان سوره ناس آمده است: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «كَانَ إِذَا اشْتَكَيْ يَفْرَأُ عَلَى نَفْسِهِ بِالْمَعْوَدَاتِ وَيَنْفُثُ، فَلَمَّا اشْتَدَّ وَجَعُهُ كُنْتُ أَقْرَأُ عَلَيْهِ وَأَمْسَحُ بِبِدِهِ رَجَاءَ بَرَكَتِهَا.» (هر زمانی که پیامبر صلی الله علیه وسلم مریض می شد ، سوره فلق و سوره ناس را قرائت می فرمود، و توسط این سوره خود را دم می کرد. حضرت بی بی عایشه (رض) می فرماید: در لحظاتی که مریضی پیامبر صلی الله علیه وسلم شدت گرفت، من سوره «فلق» و سوره «ناس» را می خواندم و به امید برکت دست خویش را بر جسمش می کشیدم.

در حدیثی از عقبه بن عامر (رض) آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: « عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ (رضی الله عنه) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم): «أَلَمْ تَرَ آيَاتِ اللَّيْلَةِ لَمْ يَرِ مِثْلَهُنَّ (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) وَ (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)».

«آیا نمی دانید که دیشب آیاتی نازل شده است که مثل آنها دیده نشده است؛ آنها سوره‌های فلق و ناس هستند». همچنان عقبه بن عامر می فرماید: «بَيْنَا أَنَا أَسِيرٌ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) بَيْنَ الْجُحْفَةِ وَالْأَبْوَاءِ إِذْ عَشِينَا رِيحٌ وَظَلْمَةٌ شَدِيدَةٌ فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) يَتَعَوَّذُ بِ (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) وَ (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) وَيَقُولُ: «يَا عَقِبَةُ تَعَوَّذْ بِهِمَا فَمَا تَعَوَّذْ بِمَثَلِهِمَا» قَالَ: وَسَمِعْتُهُ يَوْمَنَا بِهِمَا فِي الصَّلَاةِ». روزی همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم میان جحفه و ابواء حرکت می‌کردم که باد و تاریکی سختی ما را فرا گرفت، رسول الله صلی الله علیه وسلم شروع به دم‌کردن با سوره‌های فلق و ناس نمود، ولی فرمود: «ای عقبه! با آنها، (خودت را) دم کن، زیرا هیچ دم‌کننده‌ای به مثل این سوره‌ها دم ننموده است».

راوی می افزاید: همچنین آنحضرت صلی الله علیه وسلم نماز را امامت می‌نمود و شنیدیم که آنها را در نمازی خواند. هکذا در حدیثی روایت شده از حضرت جابر (رض) که: رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «أَقْرَأُ يَا جَابِرُ فَقُلْتُ: وَمَاذَا أَقْرَأُ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: أَقْرَأُ (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) وَ (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) فَقَرَأْتُهُمَا فَقَالَ: أَقْرَأُ بِهِمَا وَلَنْ تَقْرَأَ بِمَثَلِهِمَا». «ای جابر! بخوان» گفتم: پدر و مادرم فدایت شوند، چه بخوانم؟ فرمود: «سوره‌های فلق و ناس را» من به دستورش عمل نمودم. بعد از آن فرمود: «این سوره‌ها را بخوان و هرگز نمی‌توانی مانند اینها بخوانی».

در حدیث دیگری حضرت عقبه بن عامر در باره فضیلت سوره فلق می فرماید: قلت: يا رسول الله، أقرنني إما من سورة (هود)، وإما من سورة (يوسف)، فقال رسول الله (صلى الله عليه وسلم): «يا عقبه بن عامر، إنك لن تقرأ سورة أحب إلي الله، ولا أبلغ عنده من أن تقرأ: (قل أعوذ برب الفلق)، فإن استطعت أن لا تفوتك في صلاة فافعل.»

گفتم: ای رسول خدا! چند آیت از سوره هود و چند آیت از سوره یوسف به من بیاموز. فرمود: «ای عقبه! تو هیچ سوره‌ای محبوب‌تر و بلیغ‌تر نزد پروردگار با عظمت ما از سوره فلق نمی‌خوانی، و سعی کن که خواندن آن در نماز از تو فوت نشود».

فضیلت معوذتین :

در حدیث شریف به روایت ترمذی و بیهقی از ابی‌سعید خدری رضی الله عنه در مورد فضیلت معوذتین می خوانیم: «رسول الله صلی الله علیه و سلم از زخم چشم جن و انس به‌پروردگار جل جلاله پناه می‌بردند اما بعد از آن‌که معوذتین نازل شد، فقط این دو سوره را می‌خواندند و دعاهای دیگر در این مورد را ترك کردند». امام مالک (رح) در مؤطا از عایشه رضی‌الله عنها روایت کرده است که فرمود: «در اوقاتی که رسول الله صلی الله علیه و سلم از مریضی ناراحت می‌بودند، معوذتین را می‌خواندند و بر خود می‌دمیدند و این‌کار را سه بار تکرار می‌کردند و چون درد ایشان شدت می‌گرفت، من بر ایشان معوذتین را می‌خواندم و رسول الله صلی الله علیه و سلم به امید دریافت برکت این دو سوره، دست خود را بر تن خویش می‌کشیدند». یعنی: آن را بر خود می‌دمیدند. همچنین در حدیثی که از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت گردیده آمده است: «رسول الله صلی الله علیه و سلم به من دستور دادند تا معوذتین را بعد از ختم هر نمازی بخوانم».

همچنین در روایت دیگری از وی آمده است که گفت: «... رسول الله صلی الله علیه و سلم به من فرمودند: هرگاه که می‌خوابیدی و هرگاه که از خواب برمی‌خاستی، معوذتین را بخوان».

این‌کثیر در این معنی احادیث بسیاری را نقل نموده می فرماید: «در روایت این حدیث از عقبه، طرق بسیاری وجود دارد که در حد تواتر است بنابراین، این حدیث در نزد بسیاری از محققان مفید قطعیت می‌باشد».

هكذا حديث دیگری آمده است : که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: « يا عقبه ألا أعلمك سورا ما أنزلت في التوراة و لا في الزبور و لا في الإنجيل و لا في الفرقان مثلهن ، لا يأتين عليك إلا قرأتين فيها ، « قل هو الله أحد » و « قل أعوذ برب الفلق » و « قل أعوذ برب الناس » . (رسول الله صلى الله عليه وسلم خطاب به عقبه بن عامر رضی الله عنه فرمودند: ای عقبه آیا من به تفسیر هائی را یاد ندهم که همانند آنها نه در تورات و نه هم در زبور و انجیل و نه هم در قرآن نازل نشده است ، و شبی بر تو نگذرد مگر این که بخوانی آنها را، همانا «قل هو الله أحد» و «قل أعوذ برب الفلق» و «قل أعوذ برب الناس» می باشد. (این روایت صحیح در سلسله احادیث صحیح شماره: ۲۸۶۱) آمده است

اسباب نزول معوذتین :

در مورد اسباب نزول سوره های معوذتین : «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» وَ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» چندین روایتی از جانب مفسرین ذکر گردیده است ولی برای اختصار کلام من در اینجا به دو حدیث (حدیثی از بیهقی و حدیثی از امام بخاری و مسلم) اکتفاء می نمایم :

حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها می فرماید: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - را سحر کردند طوری که کاری را که انجام نداده بود، خیال و تصور می کرد که آن کار را انجام داده است. تا روزی از روزها دعا بسیار زیاد نمود و سپس، فرمود: «آیا می دانی که پروردگار با عظمت ما، راه علاج مرا به من نشان داد؟ دو مرد، نزد من آمدند. یکی از آنان بر بالینم دیدگری، کنار پاهایم نشست. پس، یکی از آنها به دیگری گفت: درد این مرد چیست؟ دومی گفت: سحر شده است. پرسید: چه کسی او را سحر کرده است؟ گفت: لبید بن اعصم. پرسید: به وسیله چه چیزی سحر شده است؟ گفت: به وسیله شانه، پس مانده الیاف کتان و پوست شکوفه خرما می تر. پرسید: کجا هستند؟ گفت: در چاه «زروان» .

راوی می گوید: آنگاه، نبی اکرم صلی الله علیه وسلم - به سوی آن (چاه) بیرون رفت. سپس برگشت و به عایشه گفت: «نخل های آنجا مانند سرهای شیطان بود». عایشه پرسید: آنها را از چاه بیرون آوردی؟ گفت: «خیر». مرا که پروردگار با عظمت ما ، شفا داد ولی بیم آن دارم که باعث ضرر و زیان مردم شود». سپس آن چاه را با خاک، پر کردند.

بیهقی در «دلایل النبوة» از طریق کلبی از ابوصالح از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده است: چون رسول الله صلی الله علیه وسلم شب را به صبح رساند عمار بن یاسر را با چند نفر به آنجا فرستاد. آنها بر سر چاه رفتند ناگاه آب چاه را مثل آب حناء یافتند آب چاه را تخلیه کردند و سنگ را برداشتند و کریه را بیرون آورده سوزاندند در بین آن یک کمان بود که یازده گره داشت. پس این دو سوره نازل شد و پیامبر خدا شروع کرد به قرائت این دو سوره هرگاه آیتی را می خواند یک گره را باز می کرد. (این حدیث را بیهقی از کلبی روایت کرده است).

همچنان در مورد اسباب نزول (معوذتین حدیثی داریم در بخاری و مسلم) که از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها به شرح ذیل روایت گردیده است:

«لبیدبن اعصم، رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را جادو کرد بدین نحو که غلاف شکوفه خرمائی را گرفته و موهائی را که در هنگام شانه زدن از سر آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فروریخته بود و دندانهای شانه ایشان و نخی را که در آن یازده گره زده شده بود و گرهها با سوزن محکم ساخته شده بود، در آن غلاف خرما قرار داد و در آن دمید. در این زمان بود که معوذتین بر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد پس ایشان به خواندن آنها آغاز نمودند و چنان بود که هر آیتی را می خواندند، يك گره از آن گرهها باز می شد و در عین حال، پیامبر صلی الله علیه وسلم در وجود

خویش به باز شدن هر گره نوعی از راحتی و سبکی احساس می‌کرد، تا این‌که گره آخر هم باز شد. آن‌گاه رسول الله صلی الله علیه و سلم چنان از جا برخاستند که گویی از بند رها شده‌اند. جبرئیل علیه السلام نیز در این برهه بر آن حضرت صلی الله علیه و سلم دم و دعا می‌خواند و می‌گفت:

«باسم الله ارقیک، من کل شیء یؤذیک، من شر حاسد و عین و الله یشفیک: به نام خدا تو را دم و دعا می‌کنم از هر چیزی که آزارت می‌دهد، از شر هر حاسدی و از شر زخم چشم و الله تو را شفاء می‌دهد». از روایات منقول شده در این بابت بر می‌آید که اثر سحر بر رسول الله صلی الله علیه و سلم فقط سر درد خفیفی بود و این است همان معنی تخیل که در یکی از احادیث آمده است. گفتمی است که گاهی در بیداری نیز مانند خواب تخیل روی می‌دهد بنابراین، مسلم است که سحر بر ملکات و توانمندیهای عقلی آن حضرت صلی الله علیه و سلم مطلقاً هیچ تأثیری نگذاشت همان طوری که سحر لبیدبن اعصم در اموری که به وحی و رسالت مربوط می‌شد، نیز هیچ تأثیری نداشت زیرا حق تعالی آن حضرت صلی الله علیه و سلم را از هرگونه نقصی از این گونه، یا از هر گونه آشفتگی فکری، یا اضطراب عصبی معصوم و محفوظ داشته است چنان که می‌فرماید: **وَاللّٰهُ یُعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ** : (خدا از آسیب مردم تو را در پناه خود محفوظ می‌دارد) «سوره مائده/ ۶۷».

ادامه دارد